

## مکتب افلاطونی میانه؛ معرفی و تحلیل آموزه‌های دینی و فلسفی

محبوبه هادی‌نا\*

### چکیده

مکتب افلاطونی میانه (Middle platonism) از مهمترین مکاتب فلسفی - دینی در سده اول پیشامسیحی است که با داعیه احیای مکتب افلاطونی اصیل، شالوده‌یی از بنیادیتترین آموزه‌های معرفتی و فلسفی آن روزگار را در نظام فلسفی خود دارد؛ آموزه‌هایی چون ذات باری واحد، خدای خالق، هبوط روح، معرفت عقلانی و نجات و رستگاری. با تأمل در آثار افلاطونیان میانه میتوان دریافت که مبانی فلسفی این مکتب بیش از هر چیز بر تفسیر مجدد برخی آموزه‌های دینی - فلسفی مکاتب افلاطونی، رواقی، فیثاغورثی و گنوسی بنا شده است؛ چنانکه در آثار همه فیلسوفان این مکاتب، ردپای پررنگ از دغدغه تبیین مسئله یگانگی و تعالی ذات باری تعالی، چگونگی خلق جهان و تبیین وجود شر در آن، ملاحظه میشود. بهمین دلیل مبانی فلسفه افلاطونی میانی اساساً دینی است و موضوعاتی چون دوگانگی ذات الوهیت در دو مفهوم، خدای باری و فرازمند و صانع یا خالق جهان، دوگانگی خاستگاه روحانی و مادی انسان و هبوط روح، کیهان‌شناسی و ساختار مادی جهان و فرجام کار آن، فرجام‌شناسی با محوریت آموزه نجات و رستگاری انسان از طریق معرفت عقلانی، و در نهایت، مبحث اخلاقیات و تعریف چارچوبهای

۹۱

\* دانش‌آموخته دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
hadinia\_m@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.2.8.6

سال ۱۲، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۰  
صفحات ۹۱-۱۲۲

عملی آن برای رسیدن به کمال عقلانی که لازمه رستگاری است، شاکله اصلی نظام و اندیشه فلسفی مکتب افلاطونی میانه را تشکیل داده است. نوشتار حاضر میکوشد ضمن تبیین و تشریح آموزه‌های فلسفی افلاطونی میانه، با جستاری تطبیقی، به تحلیل مبانی و چگونگی شکلگیری آنها در مقام یک مکتب فلسفی - دینی بپردازد.

**کلیدواژگان:** مکتب افلاطونی میانه، دوگرایی ذات الوهیت، هبوط روح، معرفت عقلانی، رستگاری.

\*\*\*

#### مقدمه

مکتب افلاطونی میانه بتعبیر بسیاری از اندیشمندان، حاصل تلفیق آموزه‌های فلسفی - دینی مکاتب رایج در منطقه شامات، بویژه اسکندریه و انطاکیه در حدود سده اول پیش از میلاد تا سده دوم میلادی است. منظور از این مکاتب، فلسفه‌های اپیکوری (Epicureanism)، رواقی (Stoicism)، افلاطونی (Platonism)، فیثاغورثی (Pythagorean) و مکاتب دینی همچون گنوسی (Gnosticism) و یهودیت است. اما این گفته اعتبار چندانی ندارد، زیرا آموزه‌ها و مبانی نظری این مکاتب، برغم تشابهات بسیار، با یکدیگر هماهنگ نیستند و از جهات بسیار، با هم اختلافات اساسی دارند. بهمین دلیل در تبیین آموزه‌ها و خاستگاه فلسفه افلاطونی میانه، بهتر است بگوییم این مکتب حاصل تفسیر مجدد و تأویل برخی آموزه‌های نظری و الهیاتی مکاتب مختلف دینی - فلسفی رایج در منطقه شامات، فلسطین و مصر در سده‌های نزدیک به پیدایش مسیحیت و پس از آن، است.

مکتب افلاطونی میانه رسماً با آنتیوخوس آسکالونی (Antiochus of Ascalon) (۱۳۰-۶۷ ق.م) در حدود سال ۸۰ قبل از میلاد تأسیس شد و تا سده دوم میلادی در سراسر جهان مدیترانه‌یی نفوذ کرده و گسترش یافت. این مکتب در تدوین الهیات مسیحی و مبانی کلامی و عقیدتی آن بیش از هر مکتب فلسفی رایج دیگری تأثیرگذار بوده است (Runia, 1986: p. 49). با این حال، بسیاری از محققان پیشینه اندیشه فلسفی افلاطونی میانه را به سده چهارم پیش از میلاد باز میگردانند، و فلاسفه و اندیشمندان بزرگ این مکتب را در سه دوره مهم تاریخی بترتیب زیر برمی‌شمارند:

۹۲



سال ۱۲، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۰